

File No.

1857 .

Collection No. 1

(8)

MUTINY PAPERS.

Pros. Nos. Files of SIRAJU'L AKBAR  
Serial Vol. 13 ; no. 9 ; May 16 - 22 , 1857.

Subject.

News about the Moghul Court at Delhi.

Fol. 4 ; Size 12" x 7 <sup>3</sup>/<sub>4</sub>" (Printed).

Previous References.

Later Referencés.

CR. 25/698 1



آسمان جاهشند فقط . . . . .

### یوم نهم است و دوم رمضان

دیکه منج زین حال هر دو نصابی بود  
 سپهر بود از نواده دانه خنجره حید شهر  
 افان بعد که اردن نماز باید و او شران  
 احرام الله و له بهادر و انش نصرت  
 خنجره بهیسی گو که اقبال لازمال شوج  
 نقرن و سیر ماخ سلیم که کوبده جلوه دار  
 و ساره کمانی شده نه حضار و الخی فند  
 اداب بجا آورده و صفوف بهین سپار  
 سینه نمود با استیادند افسران کار  
 کردیده نبار نظام عرض و معروض کردنه  
 جناح بر رونق آنها سس آنها نام خور  
 خضر سلطان و دیگر فرزندان و افسران  
 و بزه برای تنظیم و تسبیح شتجات  
 صاور شده نه بعد که از دربار زخا  
 داخل ایوان دیشان گشتند نصرت آنها  
 بیگام نعمت پریمی طعام شده قبله  
 گاه ارا سنده با دای نهار پیشین و دیگران

و نشین عصر گذارند از سبین نهار  
 پھر کالی امرای دیشان و رونق افزود  
 دیوان خاص شد نه جمله فرزند ان تادار  
 دارا لکن تهور شعار حاضر حضور شده  
 بحر و تبسم نمود اخفته دور باره نظام یک  
 را نهایشن فرموده و دیگر احکامات صادر  
 نموده ششم گاه داخل شنبان و نشان  
 کردیدند و حاضرین را مرخص فرمودند

### یوم دهم است و سوم رمضان

سحر که باید به نیک ازتری کل سنج برین بود  
 فرنا و دای تقیم ضد خودای طاعت الخت  
 کرده احرام الله و له بهادر را بر نفس شناس  
 نایز نموده به سر یک کردن نظیر جلوه بر  
 شده نه اعیان حضرت و ارکان خلافت  
 بپه سر بر بوسید و صفوف بهین سپار  
 لبته عده قره باصره خلافت نزه نصیه  
 سلطنت مرزا محمد جوان بخت بهادر  
 سر و سرافراز کلشن جهاداری زمیند  
 شهر یاری مرزا محمد بن بخت بهادر و مرزا

سهراب بندهی و مرزا کوچک سلطان بهادر  
 و مرزا ابوبکر بهادر مرزا ابوبکر سلطان  
 بجا آورده بسیار غل سجانمی استنادند  
 و نیز شفقیات بنا بر سرفرازی آمده این  
 به فرزندان کامکار ضا در شدند پس از آن  
 خلع تا فرود کران بهای بزرگ محمد جوان  
 بهادر به عهده وزارت کلی سلطنت و در  
 مرزا طهرالدین تخت بهادر به عهده رسید  
 کل افواج جنگی و انتظام جمع بهام بباشند  
 سواران و نیز مرزا محمد ابوالحسن عرف  
 مرزا عبد الله بهادر افسری بلخین رکن  
 و چهارمی مرزا سهراب بندهی بهادر  
 افسری بلخین پادشاه و پنجمی مرزا محمد  
 سلطان بهادر افسری بلخین انگلند  
 و ششمی مرزا محمد کوچک سلطان بهادر  
 و ششمی مرزا محمد ابوبکر بهادر افسری  
 جمع ترک سواران مرحمت فرموده  
 تدریسگریه پذیرفتند و حکم نامه بنام  
 افسران بلخین و افسران سواران  
 بنا بر تعمیل حکم و انقیاد و بر امر مرزا بان  
 و التبار از دفتر خاص اجرا یافتند

بعده از دربار برخواستند داخل این  
 نشان شدند نصف النهار بیگام  
 نعمت برای مایه طعام کشته قبول گاه  
 از استند با دایمی نماز نشین و دیگر  
 اشغال و نشین محضر خوانند آخرتین نماز  
 حاضرین در دولت نشین ترخیص  
 نواخته شام گاه حکمت نهار را یاد نمودند  
**دوم سه شنبه و چهارم رمضان**  
 با تشریف با شیراباد فریضه وقفی بود  
 احترام الله ولد بهادر را بر نقی شمس  
 سرفراز نموده مسند اراعی بهایان  
 کرده اند حصار دربار حاضر شده  
 اوداب و کورش معروض ساخته  
 و بقره با صبر خلافت غزه ناصیه سلطنت  
 مرزا محمد جوایت خلعت وزارت  
 کل امورات خلافت معقبای کجواب  
 ملبوس خاص و دستار و گوشواره  
 و ستم حواره و قلند ان فقره وزارت  
 عنایت کرده تدریس قبول فرمودند  
 بعد کنور اجبت شکر عمومی الی قیام حاضر

شده اند که در آن شب و شفق ای و الا و کلمات  
 های معنی بنام روسا شهر و تها نه داران  
 افسران بنام در باب ان نظام و بندوبست  
 از دارالانشا جاری شده اند پس در آن  
 رونق افزوزانه رون محل مبارک  
 گشته نصف النهار هنگام نعمت  
 برای مایه طعام قبول گاه ارا گشتند  
 بادای نماز ششم و دیگر شغالی  
 و گنشین عصر خوانندند آن عصر بن  
 حضور کس تو زک و عمده کتاب  
 متوجه سیر و کلاکت باغ سلمه گده  
 کرده به شام گاه از آنجا مراجعت  
 نموده داخل ایوان و پیشان نماز  
 شده فقط

## یوم چهارشنبه سب و پنجم

به میدان سفیده با باد فرضیه و فنی گذاره  
 احترام الله و له بهادر را بر نبض شناس  
 کامیاب کرده مسد ارای در بار  
 حضور نور در باب بندوبست نظام شهر

و احکامات بنام افسران پلان صا و غیر  
 قطعه شفق بنام مرزا محمد طهر الدین بخت  
 بهادر بدین مضمون اجرا فرمودند که در روز  
 چهارم نویسی پلان مرتب گنایه ایسا  
 حضور سازند که برای تقسیم نحوه  
 انما حکم انور شرف نفاذ یابد و غیر  
 ششحات بنام محمد تها نه داران شهر  
 و محرران برای تا که حاضر مانده ان  
 شب و روز بر مقام تعین خود  
 در ساینده خیریک مقدمه که کو تو ال شهر  
 جاری گردیدند و قطعه شفق خاص بنام  
 امین الدین احمد خان و غیره بنا بر ملازم  
 داشتن سوار و پیاده اجرا یافت و فرا  
 فوج حاضران که از آنش نمودند که ملاکی  
 گوره و برانندند به از دهنه تو محض غلط  
 رست فرمودند که خیر است رست انرا طرف  
 نمی آید باز عرض کردند که رانی خست و غماز  
 فوج میر شمه فوجی بعین کرده که رز انشاد  
 شده که درین بنیغ مشوره از منزل تبار  
 افسر فوج خود بنام مرزا ابوبکر بهادر  
 التماس نمودند که نواب امین الدین احمد خان



تمانه دارمی لاسوی شهر نابه و کلناجا  
 بنام دیهات قرب و جوار بنا بر نظام  
 اصدار نمودند عرضی سید حامد علیجان  
 بنا بر حضور خدمت والاد حجت نظر  
 انور که شست فرمودند بیاگاه بنجان  
 حاضر شود مولوی احمد علی انظر  
 راجه نامرنگه والی بلب که التماس کرد  
 که موکلم صدر مردم سوار و پیاده بر امر  
 خدمت والاد است ارسال نموده فرمودند  
 که متصل تکیه شاه بزی فرودگاه خود  
 مقرب سازند و پیشتر بنام راجه محمد  
 عز اصدار یافت که از نظام علاقه بر  
 پورنجوبی ساخته حاضر شود از اول  
 سپاه مشهور کردند که چند مردمان  
 پیشی آبی سباب میگزین گرفته لطف  
 جهر میرفتند بر وقت گرفتاری اول  
 مردمان شتافتند معلوم شد که المکار  
 شاه می از انگریزان غشکی تمام شد  
 و پنجواند که همه سپاهیان را تفصل بود  
 از دست انگریزان ساخته چندین روز  
 برای کمک در دمایان سحاکسین

بعرض رسید که متصل لال ذکی یک  
 تنگه از شخصی سوار قوم کهنتری  
 شمشیر از دست کشیده او در دوش  
 انگار میگردد آن تنگه برودند و ق برود  
 و نیز کسی تنگه برود فرودش بجای  
 چو زخمی زد و در سر یک پلان  
 دو دو چهار چهار متصد بیان جا کرد  
 نصف النهار هنگام نعمت بخش  
 خوان طعام کشته قید که گاه ار استند  
 بادای نماز یکشنبه و دیگر اشغال در  
 عصر خوانند احسب من بنابر مغسره  
 بهاد عرض کنانید که فردا یوم جمعه بود  
 است در سوار می سارک مسجد جامع  
 چه اشاد است فرمودند که سبب تقاضا  
 ملنوی است شام گاه حسب معمول  
 احترام الدوله بهادر را باید فرمودند  
**یوم جمعیت سبب تقاضا**  
 بهاد ای سنن فرضیه یوم آدینه احترام الدوله  
 بهادر را شرف بنفس شناسی کشیده

سبب تقاضای جلوه ارادتند و در این کتب  
بند تکلیف ادا و کوشش بعروض  
کنایه حکم شده که چون ضعف تقاضا  
بر طبیعت والا استیلا دارد سواری  
مسجد جامع برای ادای نماز جمعه الوداع  
تجوید گردید در مسجد چولی نماز الوداع  
انجام خواهد رسید و قطعه شقه والا  
فراموشی ظاهر الوداع تحت بهار  
در باب تنظیم بلا توجیه و قطعه  
شقه معتد به نام محمد علی بیک در باب  
تقریری علاقه کل خالصه شریفه  
مسجل مهر مبارک فرموده با بهار  
گردید و بر و انجات و حکماجات  
در باب تنظیم عازگری و غیره  
بنام بهر داران است و تمانه دارا  
بعضی بر سر و انجات جاری شده  
بعضی رسید که بلش جالبه سر  
و یراق قریب بل آمده فرمودند که  
برای تحقیقات آن مردمان ملازمان  
خاضع شتاند چون قریب تر  
آید معلوم شد که این چهار کتب

از طرف کولی ساکاه  
والا آمده اند حکم شد که نزد آنها  
بجا و فی را جور که معین سازند  
در این خزانه او زن از رشک خند  
کمینی و رساله ترک سواران اسم چهار  
ضرب توب بهر سی میر نواب  
روانه خواهد شد و جرنیل عبد الصمد  
خان و ابراهیم علیخان مع یک صد سوار  
میرسد نواب چچر حضور رسیده اند  
شد که در جاپونی در یاسی کنج بفرود  
آید و شقه کرامت مرقعه بنام قانو کوبا  
در زمیند اران علاقه ازومی دریا  
چمن از دارالانشای ارک مبارک  
صدور گردید که در انقیاد وزیر حکم  
ولی داد خان مالاکه و الله سبحان و جان  
حاضر باشند ورنه نسیرا خوانند رسید  
شخصی عرضی حضور گذرانید که نجات  
روپه در تحصیل بیکه بلول بخت اند  
در خزانه عامره طلبانیده شود و بر  
عسکر میرزا عازت خوانند بر فرسودند  
از مرز امحل بهادر عرض دارند و بخارجیا

جبار خانات حکم صادر گشت که تنخواه  
 هر علاقه خود را تقسیم نمایند بگذشت  
 یکم ساعت بهمگانی جمله فرزندان والا  
 تبار و نو اینان تنوشعار برای طرز  
 الوداع متوجه چو بی مسجد گردیدند بعد  
 از تمام خطبه سجاده کرد عبارات آرا  
 دو گانه جمعه جناب حضرت گمانه  
 حلت نماه نمود اگر زنده و حسب معمول  
 به امام مسجد مدوح خلعت کرا آنها  
 بخشیده برای امام مسجد جامع و فضل  
 خان داروغه آن عنایت ساختند  
 بعد از فراغ نماز طره کل یا بمن سجده  
 فرزندان و اراکین مرحمت کرده  
 داخل ایوان شاهی شدند  
 باستراحت قبلاً عصر گذارند  
 مزار محمد طهر الدین نخت بعد از  
 حسب الطلقت والا اندرون محل  
 معطله باره یا فتنه عزم عرض نمودند  
 بعد ترخص آنها مشایخ نگاه عرض  
 کوتوال شکر بن مضمون نظر انور  
 گذشت که بسیار میان بلقن متعینه

۸ در کشمیر تهمانه دارانجا را گرفتار  
 کرده مالش بغارت بردند و سهم  
 اسباب رعایا تلف شدند بودند  
 که سخت رعایا را تپاه نمودند وقتی که  
 تدارک ایشان نخواهد کردید تنظیم دست  
 شهر نخواهد شد باز مزار مدوح در آباد  
 تا که رفت که زود تحقیقاتش کرده  
 تهمانه را از دست ظالمان برهانند

در کشمیر تهمانه دارانجا را گرفتار  
 کرده مالش بغارت بردند و سهم  
 اسباب رعایا تلف شدند بودند  
 که سخت رعایا را تپاه نمودند وقتی که  
 تدارک ایشان نخواهد کردید تنظیم دست  
 شهر نخواهد شد باز مزار مدوح در آباد  
 تا که رفت که زود تحقیقاتش کرده  
 تهمانه را از دست ظالمان برهانند